

تفسیر معنایی توسعه نیافتگی استان کرمانشاه با تأکید بر دیدگاه صاحبان شرکت‌ها و کارگاه‌های شهرک‌های صنعتی این استان

فاضل الیاسی سرزلی^۱، علی پژهان^۲، میثم موسایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۵

چکیده

در این مقاله تفسیر معنایی توسعه نیافتگی استان کرمانشاه به عنوان رویکردی تفسیری که ریشه تجربه‌ی زیسته‌ی صاحبان حرف و شرکت‌ها دارد مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق بر این اساس که تفسیر معنایی و روایت‌های فردی، تجربه‌ی شخصی افراد، صاحبان مشاغل و دست اندرکاران صنعت این استان بسی فراتر از داده‌ها و ارقامی که در ترازهای مالی بیان شده است، می‌تواند بازنماینده‌ی شرایط اقتصادی و توسعه‌ی این استان باشد، رویکردی کیفی مبتنی بر نظریه‌ی بستممدار یا گراند تئوری را مورد توجه قرار داده است. در تحقیق حاضر جامعه‌ی آماری همان صاحبان حرف و مشاغل صنعتی شهرک‌های صنعتی استان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افراد مورد مصاحبه عوامل بسیاری را همانند روحیه‌ی غیرصنعتی، مداخله‌های نهادی و دولتی، فقدان خوشه‌بندی صنعتی، سیاست‌های کتاب بسته، عدم تنفیذ تصمیمات، عدم روش دانش‌بنیان، نبود روحیه‌ی تکنوکراتیک و فقدان بازی آزاد به عنوان عوامل توسعه نیافتگی صنایع این استان لحاظ کرده‌اند و در نتیجه در این تحقیق ۸ مقوله‌ی هسته‌ای بعنوان عامل توسعه نیافتگی از تفاسیر معنایی این افراد استخراج شده و این افراد همین عوامل را ناشی سوء مدیریت مالی و فقدان رویکرد راهبردی/ مدیریتی مناسب به حساب آورده‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه نیافتگی، شهرک‌های صنعتی، استان کرمانشاه، تفسیر معنایی، چالش‌ها

مقدمه

مفهوم توسعه و توسعه نیافتگی امری صرفاً اقتصادی نیست؛ این ادعا را می‌توان بخشی از دیدگاه‌های پساتوسعه‌ی متفکرانی چون استوا، اسکوبار، رهنما و . . . به حساب آورد. چنین منتقدانی برآنند که توسعه غالباً سویه‌های اقتصادی و صنعت‌گرایانه را مینا قرار داده و به شکلی مکان‌گرایانه، تقدم و تفوق شمالی- غربی نسبت به بقیه‌ی جهان (جنوبی - شرقی) را در بطن خود جای داده است. این نظریات با نقد مدرنیزاسیون معتقدند که توسعه و نظریه‌های توسعه همواره جنبه‌های تقلیل دهنده، کل‌نگرانه، قوم‌گرایانه و غیرمعناشناختی را مد نظر داشته و درک معنایی افراد و چگونگی تعامل انسانها با تحولات صنعتی و رشد مدرنیزاسیون را نادیده گرفته‌اند.

«یکی از دلایل عمده‌ی سرخوردگی منتقدین حوزه‌ی اجتماعی نسبت به توسعه و مبانی نظری و عملی مدرنیزاسیون، به مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌ای برمی‌گردد که جریان نوسازی و توسعه در ممالک جهان سومی و کمتر توسعه‌یافته طی دهه‌های اخیر ایجاد کرده است» (مک‌گریگور^۱، ۲۰۰۷: ۱۵۵). به نظر آنان سیاست و برنامه‌های عام منبعت از مدرنیزاسیون اقتصاد بنیاد نه تنها موجب توسعه و ترقی‌ای نشد که همچون امری مطلوب و موعود دانسته می‌شد، بلکه موجب عقب‌ماندگی و وابستگی، سرخوردگی و بحرانهای معنایی/ اجتماعی بی‌شماری در پیکره‌ی جوامع توسعه‌نیافته گردید. آنان معتقدند که ساخت فکری و گفتمانی حاکم بر مدرنیزاسیون و توسعه‌ی اقتصادبنیاد بیش از آنکه به ارزیابی‌های معنایی و شناختی افراد نسبت به خود، جایگاه و ارتقای کیفیت زندگی یاری برساند، موجب شده تا ساختارهای هژمونیک و سلطه‌طلبانه‌ی سرمایه‌داران و مدیران بیش از پیش موجب کنترل و استیلای تکنولوژیکی و بوروکراتیک جامعه‌ی انسانی شود و بدین شکل برنامه‌های سیاسی - اقتصادی جامعه تحت تأثیر قوانین و نظامهای اقتصادی‌ای همچون فوردیسم یا کینزیسم بیش از هر زمانی تحت سلطه‌ی روابط تکنوکراتیک و فن‌سالارانه قرار گرفته است. در واقع «استعاره‌ی توسعه، باعث سلطه‌ی جهانی نوعی تبارشناسی تاریخی شده است که ماهیتی صرفاً غربی داشته و اقوام دارنده‌ی فرهنگهای گوناگون را از تبیین و تعیین اشکال زندگی اجتماعی خود محروم ساخته است» (زاکس^۲، ۱۳۷۷: ۱۸).

بدین تقدیر با توجه به درک معنایی افراد از هستی و زندگی و پذیرش تنوعات فرهنگی و زیستی، توسعه‌یافتگی امری تنها تولیدی و صنعتی نیست، بلکه امری است که افراد به عنوان الگوی مطلوب زندگی و رشد جوامع مد نظر دارند. چنین رویکردی در ذات خویش تمام سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها برای فرهنگ‌سازی در ترویج یک نوع الگوی زیستی و نظام ارزشی را به چالش می‌کشد و به شکلی ساختارشکنانه استیلای هر نوع سبک یا الگویی را مانعی بر سر راه تکثر معنایی و شناختی انسانها برای زندگی و حیات می‌داند. بدین تقدیر تکثر معنایی راه را برای بازی آزاد اطلاعات و قرائت‌های بی‌شماری باز می‌کند که فهم آنها ما را در تفسیر جامع‌تری از توسعه همراهی می‌کند.

1 McGregor

2 Sachs

طرح مسئله

با توجه به این دیدگاه توسعه‌یافتگی و یا عدم توسعه‌یافتگی یک منطقه (در این تحقیق استان کرمانشاه)، را نمی‌توان تنها به داده‌ها و ارقام یا میزان تولیدات و فرآورده‌ها، تعداد شهرک‌های صنعتی و کارگاه‌ها یا بازگشت سرمایه و سوددهی آنها مربوط دانست، بلکه به روابط و تفاسیر معنایی‌ایی برمی‌گردد که افراد و یا صاحبان شرکت‌ها نسبت به آن دارند. این تفاسیر و کیفیات معنایی ریشه در ساخت زیستی، روابط گفتمانی و طبقاتی، مناسبات سیاسی و اقتصادی و بسیاری از ارتباطات اجتماعی و زیستی افراد دارد. افراد با عنایت به این ساخت‌ها به درک یا تفسیر توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی منطقه‌ی خود (استان کرمانشاه) بطور عام و شرکت‌ها و کارگاه‌هایشان بطور خاص می‌پردازند؛ چنین تفسیری مبین نگاه غیراقتصادی و غیرصنعت‌گرایانه به مفهوم توسعه است. این مسئله نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی و یا عدم توسعه‌یافتگی خود به چگونگی درک و تفسیر مردمان درگیر با روابط اجتماعی/اقتصادی، صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها وابسته است نه به رپورتاژ یا گزارش‌های آماری که خود بخشی از روابط مبتنی بر تخصصی و آماری کردن توسعه است. در واقع ساختارهای سیاسی و اقتصادی حاکم بر هر دوره، با بکارگیری این آمارها و داده‌ها، روابط مبتنی بر گفتمان علم و تخصص‌گرایی دانشمندان و مدیران تکنوکرات را بر روابط انسانی، کیفیت زندگی و تفاسیر معنایی و شناختی افراد ترجیح داده‌اند.

در این تحقیق با این هدف که توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه نه بر اساس داده‌ها و گزارش‌های آماری، بلکه به میانجی تفسیر معنایی و شناختی صاحبان مشاغل در شهرک‌های صنعتی این استان بررسی شود. مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های خود با بیان چالش‌ها و یا فرصت‌های پیش رو، تفسیر معنایی خود را از چگونگی توسعه‌نیافتگی و راهکارهای توسعه بیان کرده و این خود نشان می‌دهد که تا چه اندازه بیان فرصت‌ها و یا چالش‌ها ریشه در مناسبات اجتماعی و معنایی دارد که افراد در فهم و تفسیر آن نقش ویدی طولاً دارند. صاحبان مشاغل به تناسب درک و تفسیر معنایی از جهان خود به بررسی این چالش‌ها و فرصت‌ها پرداخته و توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌نیافتگی استان را به شکلی معنایی و تفسیری بررسی می‌کنند.

چهارچوب مفهومی پژوهش

شهرک و مجتمع‌های صنعتی^۱ که با هدف توسعه‌ی صنعتی در مناطقی بیرون از محدوده‌ی شهری و پیامدهای مرتبط با آن یعنی کاهش آلاینده‌ی هوا، ترافیک، آلودگی‌های صوتی، مخاطرات کاری و ... طراحی شده‌اند، در دهه‌ی ۱۹۷۰ رشد قابل توجهی در سراسر جهان یافت که یکی از دلایل آن را می‌توان توسعه‌ی سیاسی در سطح جهان، رشد انقلاب‌های ضد استعماری و توجه‌ی دولتهای انقلابی به رشد اقتصادی و صنعتی بود. در واقع شکل‌گیری و رشد شهرک‌های صنعتی ریشه در استراتژی نوینی داشت که بویژه تحت تأثیر آراء و نظریاتی بود که توسعه را در صنعتی‌شدن و جهش اقتصادی می‌دید. به همین دلیل ایجاد نواحی صنعتی یا در نظر گرفتن استراتژی مکان‌یابی صحیح و مناسب استقرار شهرک صنعتی و امکانات بالقوه‌ی هر منطقه گامی مهم در راستای تحقق اهداف توسعه صنعتی است که ابزار مهمی برای به

حداقل رساندن هزینه‌ی خدمات زیربنایی، تسهیل در برنامه‌ریزی و هدایت کارگاهها در جهت اجرای برنامه‌های توسعه‌ی خودکفایی کشور، همچنین کنترل آلودگی محیط زیست، تشویق مردم در جهت روی آوردن به کارهای تولیدی، بردن صنعت به مناطق کم توسعه و ارتباط متقابل بین صنایع مختلف می‌باشد. در کشورهای توسعه نیافته بعد از استقلال، صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار بود که میسر^۱ معتقد است که تحقق پیشرفت‌های فنی و کاربرد آن در صنعت در طی قرن اخیر دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز بوده است. کشورهای توسعه یافته هر کدام با فاصله‌ی زمانی متفاوت به مرحله صنعتی شدن رسیده و ناگهان پس از رسیدن به این مرحله خیزش بزرگ خود را در توسعه اقتصادی آغاز نموده‌اند (میسرا، ۱۹۹۰: ۱۶). به همین دلیل بود که در این ممالک تئوری‌های نوسازی بسی بیشتر از دیگر تئوریه‌ها مورد توجه قرار گرفت. شهرک‌های صنعتی در واقع بازنماینده‌ی عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی‌ای بود که پیشتر بر این جوامع تحمیل شده بود. به همین دلیل هاگ^۲ معتقد است که صنعتی شدن و شکل‌گیری شهرک‌های صنعتی، ضمن ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد فرصت‌های مناسب در جهت اشتغال و سودآوری مالی، موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته یا توسعه‌نیافته و ایجاد قابلیت‌های فردی و نهادی در حوزه‌های مربوط به کارآفرینی و توسعه‌ی سرمایه‌های انسانی و اقتصادی شده است (هاگ، ۱۹۷۹: ۱۰۶).

از دهه‌ی ۱۹۷۰ رشد قابل توجه شهرک‌های صنعتی در جهان خود موجب شکل‌گیری نظریات و نظراتی در باب توسعه‌ی خود شهرک‌ها و بکارگیری روش‌های به صرفه‌تر و موثرتر در ایجاد توسعه در هر دو سطح صنعتی و انسانی شد. در همین دوران بود که تئوری شهرک‌های خوشه‌ای در ایتالیا توسعه یافت و مورد پذیرش سازمان یونیدو و دیگر محافل صنعتی قرار گرفت. امروزه شهرک‌های خوشه‌ای و صنعتی موجب توسعه‌ی تخصص‌های قابل انعطاف و رقابت‌های جدیدی در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای شده است (مایتلکا و فارینلی، ۲۰۰۰: ۲۵).

پیشینه‌ی تجربی موضوع

در ایران طی سال‌های اخیر تحقیقات قابل توجهی در زمینه‌ی تأثیر شهرک‌های صنعتی بر توسعه‌ی ایران و روابط اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف صورت پذیرفته است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم. سید حسن مطیعی لنگرودی و علی اکبر نجفی کانی در تحقیقی با عنوان بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (شهرستان بابل) در سال ۱۳۸۵، در نشریه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی به بررسی اثرات و پیامدهای شهرک‌های صنعتی بر هشت روستای بابل پرداخته و طی بررسی این نتایج بدست آمده در دو دسته‌ی جامعه آماری (چهار روستا دارای صنایع و چهار روستا فاقد صنایع) در اکثر شاخص‌های توسعه اعم از الگوی مصرف، مسکن، بیمه، رضایت

1 Misra

2 Hag

3 Mytelka, and Farinelli

و امنیت شغلی و انگیزه‌ی ماندگاری در روستا تفاوت معناداری دیده می‌شود که ریشه در جایگاه صنعت و شهرک‌های صنعتی دارد.

عیسی ابراهیم زاده، محمد اسکندری و مرتضی اسمعیل نژاد (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران، در نشریه‌ی جغرافیا و توسعه، با بررسی سطح توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی شهرهای ایران، عوامل آموزشی، اقتصادی و اجتماعی، اشتغال، بهداشت، ارتباطات و عامل جمعیتی - اقتصادی را برای تحلیل عاملی خود مورد توجه قرار داده و شهرستان کرمانشاه را جزو مناطق توسعه نیافتگی اعلام کرده است.

بهزاد انتظاری و فیروز جمالی و کریم حسین زاده دلیر (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان درآمدی بر اثرات فضایی سیستم صنعتی فوردیزم در توسعه‌ی شهر و مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی با تأکید بر نمونه‌ی منطقه‌ی شهری تبریز، معتقدند که تا قبل از انقلاب اسلامی فوردیزم نقش قابل توجهی را در شکل دهی به شهر تبریز ایفا کرده ولی بعد از آن صنعت و به تبع آن شهرک‌های صنعتی نقش خود را از دست داده و در زمین‌های پس‌مانده سایر کاربری‌ها مکان گرفته‌اند.

در سطح مطالعات خارجی هم می‌توان به کار یارمیلا ویدوا^۱ تحت عنوان شهرک‌های صنعتی، تاریخچه و حال و تأثیراتشان بر کاربایی اشاره کرد. این اثر سعی کرده نشان دهد که تغییر در روابط اقتصادی در داخل کشورها و تحولات جهانی شدن که در نهایت میزان فرصت‌های دستیابی به کار را کاهش داده است، می‌توان از طریق توسعه‌ی شهرک‌های صنعتی تعدیل کرد. در واقع به نظر وی شهرک‌های صنعتی بالاخص در اسلوواکی و بلوک شرق موجب باز شدن درهای کشور به روی صنایع جدید و همچنین بالا رفتن اشتغالزایی و کاربایی در این کشورها شده است (ویدوا، ۲۰۱۰: ۴۱).

سارا تریستور^۲ و تیبریو ددی^۳ و فابیو اورلادو^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان توسعه‌ی شهرک‌های اکو - صنعتی و چالش‌های مدیریت یکپارچه: یافته‌های مربوط به ایتالیا، نشان داده‌اند که بعد از اولین تجربه‌ها در دهه‌ی ۱۹۸۰ در خصوص شهرک‌های اکو - صنعتی در ایتالیا، شواهد مبین این ادعاست که شهرک‌های صنعتی هم عاملی بوده برای توسعه‌ی اکولوژیکی و زیست محیطی منطقه و هم موجب افزایش توانمندیها در مدیریت محیطی و جمعیتی بویژه در نواحی حاشیه‌ی شهرهای صنعتی بوده است. این شهرک‌ها هیئت‌های مدیریت را در سطوح زیست‌محیطی و سرمایه‌گذاری‌های مالی و صنعتی بطور همزمان توسعه داده است (تریستور و همکاران^۵، ۲۰۱۵: ۱۰۳۶).

تاریخچه‌ی شهرک‌های صنعتی در ایران

در بسیاری از کشورهایی که اقتصاد مبتنی بر منابعی غیر از صنایع، همانند مشاغل سنتی و یا استخراج منابع انرژی و طبیعی بود، شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی منادی نوعی رهایی از دام اقتصاد سنتی و یا صنایع نفت

1 Jarmila Vidová
2 Sara Tessitore
3 Tiberio Daddi
4 Fabio Iraldo
5 Tessitore

و معدن بوده است. در ایران نیز با توجه به همین مهم و برای رهایی از دام اقتصاد مبتنی بر نفت، نخستین کوشش‌ها برای ایجاد ناحیه‌ی صنعتی در سال ۱۳۳۳ در شهر کرج آغاز شد و البته با شکست مواجه شد؛ این شکست عمدتاً ناشی از نبود دانش و تجربه‌ی لازم و کافی در سازماندهی و اداره شهرهای صنعتی بود. طی دو دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ مطالعات مربوط به تأسیس شهرک‌های صنعتی مجدداً آغاز شد. چنانچه مطالعات شهرک صنعتی مشهد (طوس) در اواخر سال ۱۳۵۴ آغاز شد و مقرر گردید که دو قطب صنعتی در مورچه خورت و شهرضای اصفهان نیز ایجاد شود. طرح شهرک صنعتی همدان نیز در آذرماه سال ۱۳۵۴ در زمینی به مساحت ۱۰۰۰ هکتار مطرح گردید. در همین دهه مطالعات انجام شده برای ایجاد نواحی صنعتی در مناطق سایان، قروه، عمیدآباد و گوندره در استان زنجان را نیز می‌توان نام برد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علیرغم جنگ و مشکلات داخلی برای جلوگیری از برون‌رفت سرمایه‌ها و توانمندی‌های اقتصادی احداث نواحی صنعتی به صورت فزاینده‌ای رشد یافت و دولت با تخصیص اعتبارات قابل توجهی به این مسئله، از خود نشان داد. بعد از آنکه در سال ۱۳۶۲ سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران در وزارت صنایع ادغام شد، وزارت صنایع در همان سال لایحه‌ی تأسیس شهرک‌های صنعتی را تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران، به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. این شرکت شرایط را برای تشکیل شهرک‌های صنعتی در ۲۵ استان فراهم و هموار ساخت و به تدریج در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۲ مجموعه‌ی زیادی از شهرک‌ها و نواحی صنعتی ایجاد شروع به فعالیت کردند. در واقع بخش صنعت به عنوان موتور محرک اقتصاد و مبنای توسعه‌ی پایدار و محور تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش کلیدی در عبور از اقتصاد نفتی ایران را بر عهده گرفت.

هم اکنون ۸۹۵ شهرک و ناحیه‌ی صنعتی در سراسر کشور زیر نظر این مجموعه قرار دارد که بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی مستقر در این شهرک‌ها و نواحی صنعتی را صنایع کوچک تشکیل می‌دهد. شهرک‌های صنعتی از ابزارهای حمایتی مهمی‌اند که علاوه بر آنکه ترغیب بخش خصوصی را به دنبال دارد، موجب رفع مشکلات ساختاری در اقتصاد دولتی می‌شود. تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش بروکراسی اداری، تحلیل مشکلات بخش صنعت با نگاه تولید صادرات‌گرا، از جمله ویژگی‌ها و خصایص شهرک‌های صنعتی است. امروزه در بسیاری از کشورها با تشویق بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت امکانات و تسهیلات ویژه‌ای از جمله وجود زمین مناسب، مستثنی بودن از قانون شهرداری‌ها، برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات بانکی و فراهم کردن امکانات زیربنایی و جانبی مانند آب، برق، مخابرات، راه و گاز و... شرایط را برای توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی هموارتر کرده‌اند.

تاریخچه‌ی شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه

در سال ۱۳۵۲ برای اولین بار مطالعات مربوط به ساخت شهرک صنعتی کرمانشاه آغاز شد. بعد از یک دهه تأخیر، در سال ۱۳۶۳ شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه بر اساس مصوبه تأسیس شد و در سال ۱۳۷۱ فعالیت خود را آغاز کرد. در حال حاضر در حوزه‌ی شهرستان کرمانشاه دو شهرک صنعتی وجود دارد، که بیش از ۲۵۶ واحد صنعت و تولیدی در آن احداث شده‌است. دلایلی چون وجود نیروی ارزان برای کار و

وجود ۳۳۰ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق و نزدیکی به بازارچه‌ی پرویزخان و خسروی موجب شده در این استان بیش از ۱۶ شهرک صنعتی و ۵ ناحیه‌ی صنعتی مشغول به فعالیت باشند که صنایع برجسته‌ای چون چینی‌گرد، مروارید غرب، مهر کام پارس، غرب کارتن، پویش چاپ، کیمیا‌ی غرب گستر، کاشی‌گرد، بسطام جم، صنعت گستر، آراد غرب، نورد فولاد کرمانشاه، پالایشگاه کرمانشاه، پالایشگاه نفت آناهیتا، مجتمع پتروشیمی کرمانشاه، کارخانه سیمان غرب، کارخانه سیمان سامان، کارخانه اسید سیتریک کرمانشاه (تنها کارخانه اسید سیتریک خاورمیانه) و... هم در آنها دیده می‌شود. شهرک‌های صنعتی زاگرس و فرمان در کرمانشاه از جمله بزرگترین شهرک‌های صنعتی استان به حساب می‌آیند.

روش‌شناسی

از میان روش‌های کیفی روش بسترزاد یا گراند جاییگاه قابل توجهی در میان محققین دارد. برنز و گرو^۱ (۲۰۱۰) معتقدند که روش بسترزاد بطور معمول در زمینه‌هایی بکار گرفته می‌شود که دانش کاملی در مورد آن پدیده در دست نباشد و یا اینکه هدف از آن کسب بینش و دیدگاه جدیدی نسبت به پدیده‌ی مورد مطالعه باشد (برنز و گرو ۲۰۱۰: ۶-۸۵) به همین دلیل انجام پژوهش‌ها با رویکرد گراند، در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. دلیل این امر هم آن است که در این کشورها مطالعات کمتر رشد داشته و بیشتر محدود به مراکز و نهادهای پژوهشی است. گراند محقق را به پژوهش در خود بستر تحقیقی رهنمون می‌سازد و موجب می‌شود تا محقق بصورت امیک یا دیدگاه درونی مصاحبه‌شوندگان و تجربه‌ی زیسته و حاضر مشارکت‌کنندگان بدنال چستی و چگونگی مسئله‌ی مورد نظر خود باشد. لذا محقق می‌بایست برای انتخاب نمونه‌ی خود از افراد و گروه‌هایی استفاده کند که منابع غنی در مورد پدیده و مسئله را در اختیار می‌گذارند. این افراد یا مطلعین کسانی‌اند که همواره تجربه‌ی زیسته‌ایی از موضوع داشته و حضور فعالی در کم و کیف پدیده دارند (کوربین و اشتراوس^۲، ۲۰۰۸: ۵۶) یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات از افراد مطلع، مصاحبه است که در این تحقیق سعی شده تا فرد مطلع از طریق آنچه می‌توان تصویرسازی روایی^۳ نامید، به شیوه‌ی داستانی و خاطره‌گویی، وقایع و رویدادهای حامل بر موضوع که همانا توسعه‌نیافتگی اقتصادی و صنعتی استان کرمانشاه است، را بازگویی کرده و بدنال آن محقق از دل روایت‌های مطلعین کدها و مقولات هسته‌ایی را بیرون بکشد. در این تحقیق با ۵۰ نفر از صاحبان حرف در شهرک‌های صنعتی به عنوان افراد مطلع مصاحبه صورت گرفت. این ۵۰ نفر از طریق روش نمونه‌گیری نظری و بدنال آن روش گلوله برفی انتخاب شدند که هر چند محقق در نمونه‌های ۳۵ به بالا به اشباح نظری رسید، اما برای یقین لازم در باب مسئله تا نفر ۵۰ ادامه یافت و مصاحبه‌ها با این ۵۰ نفر انجام گرفت. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری روایت‌های آنان در سه سطح کدگذاری اولیه، محوری و گزینشی انجام گرفت. کدگذاری در مرحله‌ی اول با توجه به کلی بودن و باز بودن کدگذاری

1 Burns & Grove

2 Corbin & Strauss

3 Narrative Picturing

اولیه محسوب می‌شود. در ذیل نمونه‌هایی از کدگذاری اولیه که در واقع در آن به همه‌ی نکات کلیدی مصاحبه‌ها عنوانی داده می‌شود، آمده است (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱. کدگذاری اولیه

مصاحبه‌های مرتبط به سوالات محقق در باب وضعیت توسعه‌ی شرکت‌ها

- ۱- عدم وجود توجهات دولتی و بانکی در باب تسهیلات
- ۲- نبود سرمایه‌ی لازم برای بازسازی
- ۳- وجود شرکتهای پول‌شو در قالب کارگاه تولیدی
- ۴- بالا بودن سود بانکی تسهیلات
- ۵- افزایش حق بهای بیمه‌ی کارگران
- ۶- بالا بودن هزینه‌های مالیاتی
- ۷- وجود کالاهای چینی و ترک در بازار
- ۸- بالا رفتن هزینه‌ی نهایی تولید کالا

در مرحله‌ی بعد از این نوع کدگذاری، می‌بایست کدگذاری ثانویه انجام بگیرد که در آن کدهای اولیه به علت تعداد فراوان در قالب طبقه‌های مشابه یا همان کدهای ثانویه به یک کد مفهومی تبدیل می‌شوند. در جدول زیر (جدول شماره ۲) نمونه‌ای از این کدهای ثانویه آمده است.

جدول شماره ۲. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات

مکانیزم‌ها	مقولات اصلی	کدهای مفهومی	کدهای ثانویه
مکانیزم رشد مالی	فقدان خوشه‌بندی صنعتی	سرمایه‌گذاری غیر حسابگرانه	تنوع غیر معقول سرمایه‌گذاری در یک ناحیه فقدان سرمایه‌گذاریهای کلان
		سرمایه‌گذاری حداقلی	عدم وجود خوشه‌بندیهای صنعتی مبتنی بر نیاز وجود کارگاههای ضعیف و ناتوان در سرمایه‌گذاریها
	فقدان بازی آزاد	فقدان قوانین روشن	عدم وجود شفاف سازی حقوقی فقدان حمایتهای حقوقی مشاغل
		فقدان عدالت توزیعی	وجود قوانین غیرحمایتی تأکید بر عدالت غیر کاربردی و غیر توزیعی
	عدم روش دانش‌بنیان	تخصص‌های بیکار	عدم توجه به تخصصها فقدان توجه به پژوهش و علم
		جدایی دانش و صنعت	ناتوانی صنعت در جذب روشهای نوین علمی

جدول شماره ۲: کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات

مکانیزمها	مقولات اصلی	کدهای مفهومی	کدهای ثانویه
مکانیزم مدیریتی / رهبردی	روحیه غیر صنعتی	فعالیت غیر کارآفرینانه	عدم رغبت به خلاقیت‌های کاربردی در کسب سود
		اقتصاد غیرصنعتی	ناتوانی در تفکر خلاقانه در صنعت و تولید عدم جسارت در ریسک‌های مالی
	نبود روحیه‌ی تکنوکراتیک	عدم تخصص کافرمایان	فقدان سواد و تخصص کافی کارفرمایان
		عدم تخصص مسئولین	ناتوانی مسئولین در درک تکنیک‌های اقتصادی و توسعه ناتوانی در فهم افق‌های سرمایه‌گذاری
	عدم تنفیذ تصمیمات	تعلیق مطالبات	راکد شدن برنامه‌ی تسهیلات مالی نفوذ و اعمال قدرت برخی نهادها
		اعمال قدرت	معلق شدن و کنار گذاشته شدن مطالبات کارفرمایان و کارگران
	سیاست‌های کتاب بسته	تصمیمات پشت پرده	عدم وجود ارتباطات اجتماعی بین کارفرما و کارگر
		روابط خویشاوندی	عدم توجه به توزیع قدرت در حوزه‌ی کار عدم رویکرد پژوهشی و مطالعاتی نسبت به تصمیمات سرمایه‌گذاری مبتنی بر روابط دوستانه و غیر حرفه‌ای
	مداخله‌های نهادی و دولتی	اقتصاد دولتی	عدم توجه به ایجاد تغییرات در کالاها
		اقتصاد طفیلی	ثبات در فورم و قطعات به مدت طولانی گرایش به ریاضت و مصرف درویش‌مسلكانه

در کدگذاری محوری داده‌های گردآوری شده به وسیله‌ی روش‌های کدگذاری و نمونه‌گیری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و نظریه با استناد به یک فرآیند تفسیری سر برمی‌آورد. در این نوع کدگذاری، تکیه بر مشخص کردن یک پدیده یا رویداد با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد قرار دارد و آن شرایط همانا عبارت است از زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است. این شکل از تفسیر به شکل استراتژی روابط ساختاری و کنش‌ها و تعاملات به انجام می‌رسد.

بعد از گذر از مراحل کدگذاری باز و کدگذاری محوری می‌بایست بدنبال تولید و استخراج کدهای مرکزی‌تر و اساسی‌تری بود که در نظریه‌ی زمینه‌ای نقش بنیادینی دارند. فرآیند انتخاب یک مقوله، برای مقوله‌ی مرکزی و مرتبط ساختن تمام مقولات دیگر به آن مقوله‌ی مرکزی در واقع همان کاری است که در این مرحله انجام می‌گیرد. کدگذاری گزینشی به روند انتخاب مقوله‌ی اصلی و مرکزی به طور منظم و

ارتباط دادن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند، می‌پردازد. در این بخش در باب توسعه‌ی شهرک‌های صنعتی استان، هشت مقوله‌ی هسته یعنی روحیه‌ی غیرصنعتی، مداخله‌های نهادی و دولتی، فقدان خوشه‌بندی صنعتی، سیاست‌های کتاب بسته، عدم تنفیذ تصمیمات، عدم روش دانش‌بنیان، نبود روحیه‌ی تکنوکراتیک و فقدان بازی آزاد استنتاج گردید که در ادامه بیان می‌شوند.

یافته‌های تحقیق

با توجه به مصاحبه‌ها و مقولات مورد بررسی در این تحقیق مواردی را می‌توان بعنوان مقولات هسته‌ایی در بررسی دلایل توسعه‌نیافتگی شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه مد نظر قرار داد. این دلایل ریشه در تفاسیر معنایی‌ای دارد که صاحبان حرف و مشاغل از وضعیت شغلی و کاری خود دارند. این تفسیر معنایی هم بازنماینده‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی این افراد است و هم محصول رویکرد انتقادی این افراد برای نقد چالش‌ها و معضلاتی است که در قالب شرایط مداخله‌گر و یا بستر حاکم شرایط را برای عدم توسعه‌ی استان کرمانشاه فراهم آورده است. در واقع تمام ۸ مقوله‌ی استنتاج شده بر حسب دو مکانیزم رشد مالی یعنی روابط مالی و ریالی حاکم بر استان و مکانیزم مدیریتی/ راهبردی یعنی روابط حقوقی، تصمیم‌گیری‌ها و توانایی‌های راهبردی دسته‌بندی شده‌اند.

الف. مکانیزم رشد مالی

در این قسمت مباحثی چون رشد عینی مالی، روابط پولی و کالایی در سطح فیزیکی و سرمایه‌های ثابت و توجه به تکنیک‌های رشد سودآورانه و مسائلی از این دست مورد نظر است که با توجه به یافته‌های کدگذاری شده انتخاب و مقوله‌بندی شده‌اند.

۱- فقدان خوشه‌بندی صنعتی

سازمان جهانی یونیدو خوشه صنعتی را بدین شکل تعریف می‌کند: خوشه مبین تمرکز منطقه‌ای و جغرافیایی صنایعی است که مجموعه‌ای از محصولات مکمل یا مرتبط را تولید کرده و به فروش می‌رسانند و همچنین با چالش‌ها و فرصت‌های مشترکی روبرو هستند. در واقع خوشه‌ی صنعتی مبین همگن شدن اقتصادی و سرمایه‌گذاری در یک منطقه‌ی جغرافیایی خاص است. خوشه‌بندی صنعتی بیشتر برای رهایی از هزینه‌ها و صدمات نظام‌های صنعتی تولید انبوه بوده است. تفاوت اصلی خوشه‌ها با نظام تولید انبوه در آن است که آنها برعکس تولیدکنندگان با مقیاس انبوه، علاوه بر رعایت استانداردهای کیفی بالا، از تنوع و تعدد محصولات در کنار مقیاس بالا نیز بهره‌مند هستند که به آن مدل «تخصص‌یابی منعطف» می‌گویند (ایزدخواه، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

آقای رشیدی از جمله مصاحبه‌شوندگان معتقد است:

هر کی اومده از شهرک صنعتی یک زمین گرفته، به سوله زده و به شغل موازی با شغل‌های دیگه برپا کرده، کسی نمیکه آخه با کدوم تحقیق، اصلا بازار چی می‌خواد، ما این استان چند تا کارخانه‌ی قوم سازی می‌خواد، چند تا کارخانه‌ی پلاستیک سازی لازم داره، همینطوری پشت سر هم مجوز صادر میشه و هیچی.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	هر کسی بدون هیچگونه رایزنی‌ای اومده و یک کارگاه یا کارخانه زده.	سرمایه‌گذاری غیرحسابگرانه	فقدان خوشه‌بندی صنعتی
۲	جالبه توی این استان خیلی چیزها هست که لازم نداریم، کسی نیست بگه آخه اینم کاره.		
۳	مگه یه استان چند تا کارگاه تیرچه یا پلاستیک سازی و ... لازم داره.		
۴	حتی محل گذاشتن این شهرک هم چون خوشه‌ای نشده، خیلی با بعضی از کارگاهها و شرکتها سنخیت نداره.		
۵	بعضی از سرمایه‌گذارها این همه زمین و سوله نمی‌خواد یعنی در حد اون تولیدی نیست.	سرمایه‌گذاری حداقلی	
۶	چرا بعضی تولیدی‌ها مثل کارگاه کفش سازی یا بسته‌بندی خشکبار اینجا با این سرمایه و تجهیزات کم جای یه کارخانه‌ی بزرگ رو گرفته.		

۲- فقدان بازی آزاد

مفهوم حقوق اقتصادی برای ایجاد یک بازی آزاد اقتصادی، بیش از دو سده است که تحت تأثیر منتقدین مکاتب اقتصادی اتریش و فرایبورگ به مبنایی برای توسعه‌ی اقتصادی مبدل شده است. بخشی از این قوانین به عدالت توزیعی مربوط است؛ اینکه چگونه شرایط بطور لیبرال و آزادانه برای فعالیت اقتصادی مهیا شود (باوی، ۱۹۹۹: ۱۰۹) وجود حقوق قضایی و قانونی مشخص و روشن از این حیث مهم است که دفاتر و اتحادیه‌ها نقش تنظیم کننده و مدافع مشاغل صنعتی را باید داشته باشند و برای جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه‌های کلان می‌بایست از تکثیر بیش از حد بعضی از مشاغل، یا صرف شدن سرمایه‌گذاری‌ها در شغل - های مشخص جلوگیری شود تا بر این اساس به جای شکل‌گیری منظومه‌ی خاص و محدودی از مشاغل، انواع منظومه‌ها در سطوح گسترده‌تری شکل بگیرد. این حقوق هم تضمین‌کننده‌ی سلامت کاری و اداری در برابر حمله‌هایی است که کارخانه‌داران و صاحبان حرف را تهدید می‌کند و هم ناظر و کنترل‌کننده‌ی زوایای

منفی آنها در زمانهای بحرانی. در واقع برای ایجاد یک بازی آزاد اقتصادی این مسئله بسیار مهم است. چنانچه تدوین قوانین واضح و روشن برای حوزه‌ی اقتصادی یکی از مسائلی است که صاحبان مشاغل همواره فقدان آن را یک خسارت بزرگ در حوزه‌ی اقتصادی و صنعتی به حساب می‌آورند.
عزیزی از سرمایه‌گذاران استان معتقد است:

وقتی ما به وزارت داریم با این عنوان پر شکوه، دیگه قرار نیست اینهمه دردسر داشته باشیم، من کلی بدو بدو کردم از اسپانیا به کارخانه‌ی تولید ورق و پروفیل پلاستیکی و قطعات پلاستیکی تزریقی و بادی خریدم، قطعاتم توی گمرک شش ماه خاک خورد، کلی حق انبارداری ازم گرفتن، دلارها را به موقع بهم ندادن، من از وارد کردن این کارخانه به استان کلی ضرر کردم، چهار سال طول کشید تا توانستم کارخانه را استارت بزنم.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	انگار فقط وقت مجوز دادن‌ها و مالیات گیرها قانون وجود داره.	فقدان قوانین روشن	فقدان بازی آزاد
۲	من خودم هنوز به جایی رو ندیدم که قانون خیلی پشت ما را بگیره. من که نمی‌گم اقتصاد انحصاری بشه، اما قرار نیست که هرکی به هر کی هم بشه.		
۳	من کلی کارگر دارم و تو هر ماه باید کلی بیمه رد کنم، فقط کافیه بیمه‌ی به کارگر پرداخت نشه، از جریمه گرفته تا کلی مسائل دیگر برای او هست اما من کارفرما چی، چه حقی دارم؟		
۴	قوانین مربوط به اقتصاد به خاطر بسیاری از مسائل جانبی همواره طرف مصرف کننده را می‌گیره، کسی در فکر کارفرما نیست.		
۵	عادلاته نیست، قوانین کمتر برای پیشبرد صنایع ماست.	فقدان عدالت توزیعی	
۶	کلی سرمایه خوابوندم در حالی که گاهی به مهندس‌ها حسودیم میشه که بدون هیچ مسئولیتی پولشون رو میگیرن و میرن بدون هیچ دغدغه و استرسی.		
۷	برام خیلی جالبه اگه من هشت سال پیش ورشکست شدم چرا کسی به دادم نرسید، نه بانک وام می‌داد نه دیرکرد وام قبلی رو کم کرد. کل کارخونه رو خود بانک حراج کرد. بعد از ۸ سال تازه از اول شروع کردم.		

۳- عدم روش دانش‌بنیان

مسئله‌ی دانش بنیان از جمله مفاهیمی است که ارتباط میان علم و تکنولوژی را توسعه داده است. امروزه شرکت‌های زیادی با تولیدات علمی خود به توسعه‌ی صنعتی و سرمایه در سطح ملی دامن زده‌اند. بطور کلی شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شرکت یا موسسه‌ی خصوصی و یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و

کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و باارزش افزوده‌ی فراوان به ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. محمدپناه یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه معتقد است:

اصلاً هیچ رابطه‌ای بین شهرک‌های صنعتی و دانشگاه‌های صنعتی و تکنیکی استان وجود ندارد. طرحهایی که آنها ارائه می‌دهند خیلی کم مورد توجه صاحبان مشاغل قرار می‌گیره و چیزهایی که ما می‌خواهیم اصلاً از نظر آنها کاربردی نیست. بهتر بگم، هیچ دوستی‌ای بین ما و دانشگاه درکار نیست، شرکت‌های دانش بنیان بیشتر سرگرم کارهای تحقیقی صرف هستند و بس.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	خیلی از فارغ‌التحصیلا هستن که تو شهر می‌چرخن و هیچ شرکتی نیست دانش اونها را به کار بگیره.	تخصص‌های بیکار	عدم روش دانش بنیان
۲	چند سال پیش یه دانشجوی ارشد، نوعی ام دی اف از کتان و الیاف ساخته بود، کسی اصلاً طرحشم گوش نداد.		
۳	توی بسیاری از شرکت‌ها متخصص‌هایی هستند که شغلشون با یه کارگر ساده چندان فرقی نداره.		
۴	کمتر جایی شنیده‌ام یا اصلاً نشنیدم که یه شرکت از فکر تحصیلکرده‌ها استفاده کرده باشه.		
۵	اونایی که تحصیلاتشون صنعته، خیلی حرفشون رو قبول نمی‌کنن انگار دانش اونا از کار ما خیلی فاصله داره.	جدایی دانش و صنعت	
۶	توی محیط کار اونا خیلی می‌خوانن دقیق و علمی کار کنن در حالی که صنایع اگه این جور حرکت کنه تو ده ماه هم چیزی تولید نمی‌شه که بدیم بیرون.		

ب. مکانیزم مدیریتی / راهبردی

در بخش مکانیزم مدیریتی مسائل مربوط به الگوهای راهبردی / مدیریتی و عموماً شناختی تری برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده که تحت عنوان روحیه‌ی صنعتی، مدیریت راهبردی بازار و تأمین شرایط رقابتی و دموکراتیک در تولید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- روحیه‌ی غیرصنعتی

رابطه‌ی روحیه‌ی صنعتی و توسعه را می‌بایست به آراء ماکس وبر برگرداند که در اثر معروف خود اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری مطرح گردید. وبر معتقد بود که اخلاق پروتستان زمینه‌ساز برای ظهور سرمایه‌داری عقل محور را فراهم آورد، اما گسترش بیشتر سرمایه‌داری، دیگر متکی بر آن نبود. ماکس وبر

تعالیم پروتستانتیسم و آراء کالون را در راستای مفهوم کار و وظیفه و سخت‌کوشی به عنوان یکی از مبنای اصلی شکل‌گیری روح سرمایه‌داری در نظر گرفت. (وبر^۱، ۱۹۷۶: ۹۳). روحیه‌ی صنعتی و یا آنچه مک‌کله‌لند^۲ تحت تأثیر وبر نیاز به پیشرفت^۳ می‌نامید (مک‌کله‌لند، ۱۹۸۵: ۲۶) در میان بسیاری از متفکران نوکانتی در حوزه‌ی توسعه، مفهومی است کلیدی. مفهومی که می‌تواند مبنای انگیزشی برای توسعه و صنعتی‌شدن باشد. ذاکری یکی از صاحبان حرف در کرمانشاه می‌گوید:

بیشتر این روابطی که در سطح اتحایه‌ها و مجامع صنفی و حتی ادارات صنایع و معادن دیده می‌شود، هیچ تمایلی به صنعتی‌شدن و توسعه‌ی صنعتی ندارند، بیشتر سرمایه‌گذاری ملاک کاره. اینکه شرکتت چقدر بتونه پول دربیاره و چقدر گردش مالی را بالا ببره مهمه. از ۱۰۰ تا شرکت و کارگاه و کارخانه که تو این شهرک‌ها باشن، تعداد خیلی خیلی کمی در راستای توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی دارن پیش می‌رن.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	ما بیشتر تحویلدار و انبارداریم. کارهامون خدماتی و دلالی شده.	فعالیت غیر کارآفرینانه	روحیه‌ی غیرصنعتی
۲	الان کارفرما خیلی در فکر کارآفرینی نیست. همش شده تولید و معامله.		
۳	کارگران ماهر خیلی نداریم، بیشتر کارگران باربر هستند.		
۴	یه زمانی بود که صاحب کار سعی می‌کرد شغل بیشتر ایجاد کنه، الان بیشتر دوست دارن شغل کمتر بشه.		
۵	از میان چند تا شغلی که در نظر داشتم، بیشتر مشاغلی که بسته بندی یا خدماتی بود نظرم را جلب کرد.	اقتصاد غیرصنعتی	
۶	از بس مشاغل صنعتی سرمایه بره، و بازدهی سرمایه‌اش هم کمه، خیلی دلمو نمی‌گیره.		
۷	الان توی شهرک سه تا سوله دارم، گذاشتم واسه انبار وسایل و قطعات ماشین.		
۸	سرمایه‌گذاری برای تولید کامل وسایل خیلی به صرفه نیست، خیلی‌ها اومدن قطعات رو تو چین تولید می‌کنن و اینجا با چند تا کارگر سرهمش می‌کنن.		

۵- نبود روحیه‌ی تکنوکراتیک

تخصصی بودن و تفکیک ساختاری در درون صنعت و حوزه‌ی تکنیک مبنایی است برای شکل‌گیری آنچه می‌تواند استیلای روحیه‌ی تکنوکراتیک نامید. شین، چان و یونگ^۴ (۲۰۰۲) با بررسی جایگاه تخصص و

1. Weber
2. McClelland
3. Need for achievement
4. Shin, Chan & Jong

استیلای روحیه‌ی تکنوکراتیک در جامعه‌ی کره در طی سالهای ۱۹۶۰ و بعد از جنگ دو کره‌ی شمالی و جنوبی، این مفهوم را اصلی‌ترین عامل توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی کره‌ی جنوبی لحاظ کرده‌اند. به نظر آنان دموکراسی و توسعه‌ی اقتصادی در کره‌ی جنوبی خود محصول این سیاست‌های تکنوکراتیک بوده است (شین، چان و یونگ ۲۰۰۲: ۸۳)

حقیقی از صاحبان صنایع در استان معتقد است:

برای اجرای به سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی لاکهای صنعتی بسته بندی رزین آلکیدفولیک، طرح رو به استانداری و ارگانهای ذی ربط دادیم، مسؤل وقت می‌گفت این جور سرمایه‌گذارها خیلی جوابگوی نیاز نیست، بعد از ما طرح توجیهی خواستند، آخرش هم در نامه‌ایی که بهمون دادند اسم طرح را اشتباهی درج کرده بودند اونم کلی وقت برد تا اصلاحیه خورد و در نهایت مورد قبول بانک قرار نگرفت و طرح را با بخش خصوصی اجرا کردیم.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	خیلی از کسانی که اینجا شرکت زدن، فقط پول داشتن و سرمایه‌گذاری کردن.	عدم تخصص کافرمايان	نبود روحیه‌ی تکنوکراتیک
۲	من کسی رو می‌شناسم تا چند ماه بعد از افتتاح کارخانه‌اش هم اسم درست رزین را نمی‌تونست تلفظ کنه بهش می‌گفت روزین.		
۳	کارفرمایان بیشتر از حد تخصصشان دارن سرمایه‌گذاری می‌کنن، کارخانه سیمان، کارخانه فوم، کارخانه قند، قطعه‌سازی و هر چی پول توش باشه.		
۴	قاعده‌اش اینه که مسؤلان از سرمایه‌گذاران بیشتر آگاه باشن، اما در عمل چنین نیست.	عدم تخصص مسؤلین	
۵	خود مسؤل شهرک صنعتی شهرستان از نوع سرمایه‌گذاری روی رزین آلکیدفولیک چندان آگاهی نداشت، مجبور شدیم ساعت‌ها با ایشون سروکله بزنیم.		
۶	وقتی می‌خوای بری از مسؤل نظر بخوای که شرایط کاری و سرمایه‌گذاری رو توی مجامع بررسی و مطرح کنن، باید خودتم باهاشون بری و جنبه‌هاشو ریز و درشت بهشون بگی. کسی انگار وضعیت تولیدی شرکت‌ها رو درک نمی‌کنه.		

۶-عدم تنفیذ تصمیمات

محققین بسیاری با تأکید بر اینکه چرا گاهی موضوعات حساسی در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری هیچگاه روی میز مذاکرات نمی‌آید و برعکس سرمایه‌گذار بهای ساده و پیش پا افتاده همواره بر روی میز جلسات و برنامه‌های نهادی و سازمانی دیده می‌شود، به مفهوم عدم تنفیذ تصمیمات اشاره می‌کنند. عدم تنفیذ تصمیمات به معنای فقدان قدرت چانه‌زنی و اعمال نفوذی است که شخص حقوقی یا حقیقی فاقد آن است. باوی در بررسی اموری که کمتر می‌تواند در تعاملات سیاسی و بوروکراتیک تأثیری داشته باشد و لو

مهم هم باشد، معتقد است که قدرتمندان و افراد ذی‌نفع از طریق عدم تنفیذ تصمیمات همواره فراتر از تصمیمات عمومی جامعه یا گروه خاصی، برنامه‌ها را به تعویق انداخته و یا در تعلیق آن نقش دارند (باوی، ۱۹۹۹: ۱۰۹) گاهی نوعی سرمایه‌گذاری بسیار مهم و کلیدی پیشنهاد می‌شود، اما جناحهایی از قدرت بنا به منافع و آسیب‌هایی که از این تصمیم‌گیری متوجهی آنها می‌شود، در تنفیذ تصمیم‌گیری خود و در تعلیق گذاشتن تصمیمات متقاضیان تلاش مستمری را به پیش می‌برند که خود در تصمیمات یا سرمایه‌گذاری‌ها نقش موثری دارند.

مهردادی فر از سرمایه‌گذاران استان معتقد است:

خیلی تصمیم‌گیرها هست که لازم نیست و خیلی چیزها هم هست که بعلت بی‌توجهی و یا آوردن توجیهات فردی و غیرمنطقی کنار گذاشته می‌شود. این تصمیم‌گیرها باید به جوری باشه که صاحب نظر و طراح خودش هم بیاد تو گروه و توجیه اقتصادی‌اش رو مطرح کنه. عین به جلسه‌ی دادگاه از طرحش دفاع کنه، همیشه که پشت درهای بسته طرح خاک بخوره و بعد از چند سال جوآنتو بدن که اون موقع هم دیگه خیلی دیر شده. کاری که الان در استان به کلی مُد شده.

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	من خودم چند سال طرح تولید خوراک پتروشیمی‌ها را طرح کردم، نه تنها جوابمو ندادن طرحم گم و گور شد.	تعلیق مطالبات	عدم تنفیذ تصمیمات
۲	چرا کارخانه‌ی آسفالت کردند بهش مجوز دادن و به آلودگی هوا و . . . گیر ندادن، اما من توی هرسین درخواست دادم کلی طرح و تبصره سرم ریختن.		
۳	برای ثبت و پیشبرد کار و بار ساخت کارخانه‌ی سفال اونقدر ازم طرح توجیهی خواستن تا بیخیالش شدم.		
۴	همین چند هفته پیش بود که یکی از دوستانم برای ثبت کارخانه‌ی گوگرد معدنی به همدان رفته، می‌گفت اونجا خیلی زودتر کارات راه می‌افته.		
۵	کل کارم رو به اتمام بود، تنها بودجه‌دهی و اعطای تسهیلات مانده بود که توی همون ماههای آخر دستی اومد تو کار و همه چیز بهم خورد.	اعمال قدرت	
۶	بعد از خرید دستگاهها از اسپانیا و وارد کردنش به کرمانشاه و کلی دردسر تازه اومدن می‌گن توجیه نداره، این کارخونه آلاینده است و کلی حرف و حدیث.		
۷	بانک هنوز بهم تسهیلات نداده، یعنی می‌گه طرحتون بازدهی اقتصادی نداره، کارخانه‌ی سبک‌تر بزن که زودبازده‌تر باشه تا بهت وام بدیم.		

۷- سیاست‌های کتاب بسته

مفهوم سیاست کتاب بسته^۱ در واقع عنوانی است که در برابر سیاست کتاب باز^۲ مطرح شد. این مفهوم تحت تأثیر آراء ایمانوئل کانت ابتدا در فرانسه و در کارخانه‌ی اسپرینگفیلد^۳ توسط ژاک استاک^۴ مطرح گردید. استاک نظارت کامل کارگران و سرمایه‌گذاران را بر برنامه‌ریزی‌ها و دستورالعمل‌های اقتصادی را نه یک نیاز اقتصادی بلکه بخشی از یک اخلاق جهانشمول و یک تکلیف اخلاقی به حساب می‌آورد (کیس^۵، ۱۹۹۵: ۲۱) این در حالی است که در سیاست کتاب بسته همواره صاحبان مشاغل و کارگران از برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیری‌ها دور و ناآگاه‌اند. این ناآگاهی و دوری را می‌توان یکی از دلایل عمده‌ی تأثیرگذار بر چگونگی توسعه و رشد صنعتی در شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی به حساب آورد.

ناصری از سرمایه‌گذاران و کارخانه‌داران استان معتقد است:

آدم تعجب می‌کنه، مگه ما توی این مجامع صنفی، اتحادیه‌ها یا اتاق بازرگانی و ... نماینده نداریم، پس این تصمیم‌گیریها چه جوریه، یا با منافع عمومی کارخانه‌داران همخوانی نداره یا کالا به ضرر ماست. در عجبیم آخه مگه ما قرار نیست تصمیم‌گیریهای شفاف داشته باشیم، اصلاً بدونیم پشت پرده داره چی میگن و چی میکنند؟

ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	خیلی تصمیمات هست که اصلاً کسی از ما حضور نداشته و ازش خبر نداشته.	تصمیمات پشت پرده	سیاست کتاب بسته
۲	مزایده‌هایی بوده که پشت پرده انجام گرفته و به حقدار نرسیده.		
۳	تو همین یکسال گذشته مجوز ۴ کارخانه فوم داده شد و کسی با ما مشورتی هم نداشته.		
۴	مجوز دانه‌بندی شن و ماسه، معلوم نیست با چه ادله‌ای به بعضی‌ها داده می‌شود و به بعضی‌ها نه.		
۵	گاهی بوده وامها و تسهیلاتی که داده شده، بین بعضی از مسئولین و اعضای فامیل و دوستانشان تقسیم می‌شود.	روابط خویشاوندی	
۶	توی همین شهرک ما، بعضی از افراد معین توی چند زمینه وامهای کلان برای سرمایه‌گذاری بهشون خورده و بعضی هنوز در پی مجوزن.		

1 Close-Book Politics
 2 Open-Book Politics
 3 Springfield
 4 Jack Stack
 5 Case

۸- مداخله‌های نهادی و دولتی

اولین اقتصاددانان با تأکید بر کاهش و حذف مداخله‌های دولتی در حوزه‌ی اقتصاد و بازار، رشد اقتصادی را متغیر وابسته‌ایی می‌دانستند که با کاهش مداخله‌های سیاسی و شکل‌گیری قوانین مشخص جهت حفاظت از بازار تعیین می‌شود. متفکران اقتصادی همواره کاهش مداخلات سیاسی و حکومتی را عامل اصلی رونق حوزه‌ی صنعت دانسته‌اند. فون‌های ک، لودویگ فون میزس و بدنبال آن اعضای مکتب اتریش و اردولیرال‌های آلمانی (غنی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۱-۱۶) همواره با طرح این مسئله و تأکید بر سیاست‌گذاریهایی حداقلی در حوزه‌ی اقتصاد اهمیت این مسئله را گوشزد کرده‌اند.

مهیبار از سهامداران اصلی صنایع الکترونیک در استان در این باره می‌گوید:

بعضی از برنامه‌های سیاسی گاهی وضعیت حسابی‌ای در اقتصاد بوجود میاره، مثلا یه موضعگیری یا عملکردی در دولت قیمت خیلی چیزها را عوض می‌کنه، اما اینها همه حساب‌گونه هستند، خیلی نباید روی اینها سرمایه‌گذاری کرد. اگر این شرایط تداوم پیدا کنه اقتصاد استان که سهله، کل ایران هم همواره تابع شرایط سیاسی خواهد بود و این یعنی اقتصاد وابسته یا طفیلی.

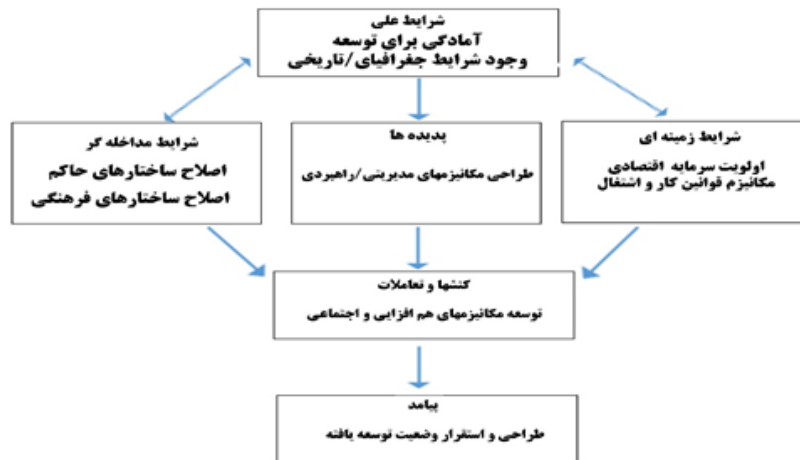
ردیف	متن مصاحبه (جواب‌ها)	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	هنوز توی این شهرک‌ها صناعی هست که بیشتر منافع دولتی را می‌بره.	اقتصاد دولتی	مداخله‌های نهادی و دولتی
۲	دولت که توی شهرک سرمایه‌گذاری داره، رقابت دیگر معنایی نداره.		
۳	دولتی شدن صنعت نمیزاره شهرک صنعتی کارشو بدرستی به پیش ببره.		
۴	اگر دولت مداخله کنه، اونایی که دولتی‌ترن، همه چی باب دلشون می‌شه و بقیه هیچی.		
۵	صنعت توی این شهرک محصول تصمیماتیه که نهادهای دولتی برای ما گرفتن.	اقتصاد طفیلی	
۶	دولت و برنامه‌ها و قوانین دولتی همیشه دم دست و حاضره، صنعت و سرمایه‌گذاری اینجا خیلی به دولت وابسته است.		

استنباط نظری

با استناد به این تحقیق و مصاحبه‌هایی که صاحبان ۱۵۰ شرکت صنعتی و تولیدی در شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه، به شکل تصویرسازی روایی از وضعیت توسعه‌یافتگی شهرک‌ها و صنایع موجود در استان کرمانشاه ارائه داده‌اند، می‌توان ضرورت یک دستگاه قانون‌گذار، تخصص‌گرا، دانش‌بنیان، با روحیه‌ی

صنعتی و تکنوکراتیک را متصور شد که ریشه در مفاهیمی دارد که در کشورهای توسعه‌یافته‌تر رعایت شده است. این افراد با اذعان به اینکه صنایع و رشد آنها تنها به میزان سرمایه‌ی ثابت و آورده‌های مالی بستگی ندارد، بلکه می‌بایست دولتها و نهادهای مرتبط نیز راهکارهای صنعت‌گرایانه و توسعه‌گرایانه‌ایی داشته باشند، راههای رشد مالی و تحول راهبردی/ مدیریتی را مورد توجه قرار داده‌اند که تحت عنوان مقولات هسته‌ای از مصاحبه‌های آنان استنتاج شده است. مقولاتی اعم از روحیه‌ی غیرصنعتی، مداخله‌های نهادی و دولتی، سرمایه‌گذاریهای موازی، سیاست‌های کتاب بسته، عدم تنفیذ تصمیمات، نگاه غیرمولد، فقدان روشهای دانش‌بنیان، غیرتخصصی بودن رفتارها و عدم عدالت توزیعی نشانگر یک نیاز عام صنعتی و توسعه‌ایی است در استان که می‌طلبد، شرایط به شکلی قانون‌گرایانه، تخصصی و مبتنی بر نگاه توسعه-گرایانه و صنعتی و حمایتی مهیا باشد تا بتوان به توسعه‌ی بیشتر و همه‌جانبه‌تری در استان کرمانشاه امیدوار بود.

با بررسی روابط مکانیزمهای مرتبط به سرمایه‌گذاریها و فقدان عناصر و موارد لازم در جهت توسعه‌ی سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و انسانی می‌توان مدل مرتبط به این پدیده را به شکل زیر طراحی کرد که در نهایت می‌توان عدم توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه را در رابطه با این مدل درک کرد.



نمودار شماره ۱: مدل توسعه‌یافتگی استان کرمانشاه با توجه به اصلاح مکانیزمهای مربوط به سرمایه‌ها

بر اساس این مدل می‌توان مدلی مطلوب برای فهم مکانیزمهای علی و دخیل در وضعیت توسعه نیافتگی استان کرمانشاه را مطرح کرد که از طرفی ارتباطی تنگاتنگی با درک و تفسیر معنایی افراد و صاحبان مشاغل در استان دارد و از سوی دیگر به شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم مرتبط است. در این

تحقیق این روابط به شکلی کیفی در تعامل و ارتباط با وضعیت توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه و شهرک‌های صنعتی مورد بررسی قرار گرفته است.

در واقع تعامل چندگانه‌ی میان حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و دانشگاهی بطور عام می‌تواند راه مناسبی برای رشد و توسعه‌ی حوزه‌ی صنعتی در استان باشد. امری که تحقق آن در بازتعریف مجدد و برنامه‌ریزی جامع حوزه‌ی صنعت و شهرک‌های صنعتی به عنوان شریان اصلی تحول و توسعه‌ی اقتصادی جامعه دارد.

سوابق اقتصادی - سیاسی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که توسعه می‌بایست در سطح نهادی و سازمان‌یافته محقق شود؛ هر چند این به معنای دخالت و مداخله‌جویی نهادهای فراققتصادی در حوزه‌های دیگر نیست. این شرایط نهادی و سازمان‌یافته است که عقلانیت و ساخت بوروکراتیکی را در حوزه‌ی اقتصاد محقق ساخته است. این نهادها بسته به شرایط انسانی / جمعیتی و مسائل اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه، سرمایه‌گذاران را در امور مربوط به سرمایه‌گذاری راهنمایی و همکاری می‌کنند (ویلhelm و فیستاس^۱، ۲۰۰۵: ۲-۳) چنین نهادهایی تحت عنوان، چشم‌انداز استان، مجمع امور صنفی، برنامه‌ریزی وزارت صنایع و معادن و . . . این نقش را برعهده دارند. عدم هماهنگی لازم و مدیریت سرمایه‌گذارها موجب آشفتگی شدن شرایط اقتصادی و به زعم آن عدم توسعه در سطح منطقه و بطور کلی در سطوح کلانتر می‌شود. در واقع با توجه به دیدگاه صاحبان مشاغل نگاه حاکم بر اقتصاد اگر از نوع نگاه محصورکننده و تحدیدکننده باشد، موجب تضعیف و نحیف شدن هر چه بیشتر رشته‌ها و روابطی می‌شود که به توسعه‌ی اقتصاد دامن می‌زنند. نگاه امنیتی درست ریشه در آنجایی دارد که دولت و یا دستگاه‌های مداخله‌گر سعی می‌کنند برای توسعه‌ی روابط عمومی و گسترش نظارت خود بر کلیت جامعه اقتصاد و تحولات آن را کنترل کنند. کنترل این حوزه اگر بطور منطقی و پیشرونده نباشد و تنها ناشی از یک نگاه امنیتی باشد، خود مانع توسعه خواهد بود. منتقدین معتقدند نظام سیاسی و دستگاه‌های اجرایی و امنیتی تنها زمانی می‌توانند به توسعه و صنعت کمک کند که هماهنگ‌کننده‌ی قواعد بازی اقتصادی باشد، نه کنترل‌کننده‌ی آن (فوکو، ۱۳۹۱: ۲۷۱)

علاوه بر ساخت نهادی مفهوم دیگری یعنی مولد بودن به عنوان خصیصه و شاخص اصلی یک نظام صنعتی و پیشرفته، بسیار مهم است و موجب تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی می‌شود که ریشه در زایا بودن صنایع دارد. در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ که اروپا به شدت درگیر جنگ‌های داخلی بود این صنایع زایا و مولد آمریکائی بودند که تحولات چشمگیری را تحت عنوان یک فرآیند فوردیستی جهت داده و به جهش اقتصادی و صنعتی آمریکا کمک کردند (آندرسون و بالاند^۲، ۲۰۰۲: ۹۷۵) مولد بودن قبل از هر چیز ریشه در میل به تولید دارد؛ امری که همواره در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی بزرگان و مسئولین مورد توجه بوده است. مواردی چون ضرورت خوشه‌بندی صنعتی، بازی آزاد و توجه به روشهای دانش‌بنیان به عنوان بخشی از مکانیزم رشد مالی از طرفی و روحیه‌ی صنعتی، سیاست‌های کتاب روحیه‌ی

1 Wilhelm and Fiestas
2 Anderson and Baland

تکنوکراتیک، تنفیذ تصمیمات، سیاست کتاب باز و عدم مداخله‌های دولتی و نهادی نیز بعنوان بخشی از مکانیزم مدیریتی / راهبردی می‌تواند مبنایی کارآمد برای شکل‌گیری یک جامعه‌ی صنعتی و مولد باشد. فقدان این مکانیزمها که در این تحقیق مورد نقد و چالش صاحبان مشاغل بوده است، در واقع عامل اصلی عقب‌ماندگی و غیرمولد بودن صنایع شهرک‌های صنعتی دانسته شده است.

منابع

- ایزدخواه، روح‌الله (۱۳۸۴). خوشه‌های صنعتی: راهبرد اساسی ایجاد مزیت‌های منطق‌های در کشور و نقش دولت در گسترش آنها، همایش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فن‌آوری ایران، تهران: صص: ۱۶۶-۱۵۳.
- زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه‌ی فرید فرهی و وحید بزرگی، تهران: مرکز.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۱). درباره‌های ک، تهران: نگاه معاصر.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱). تولد زیست سیاست، درس گفتارهای کلژ دو فرانس. ترجمه رضا نجف زاده، تهران: نی.
- Anderson, Siwan and Baland, Jean-Marie (2002) "The economics of ROSCAs and intra-household resource allocation," *Quarterly Journal of Economics*, N:111 :pp: 963-995.
- Bowie, N,E(1999)*Business Ethics: A Kantian Perspective*. Oxford: Blackwell Publisher
- Burns N, Grove SK(2010) *Understanding nursing research: Building an evidence based practice: Elsevier Health Sciences*
- Case, J(1995)*open-book Management*, New York, Harper Collins Publisher
- Corbin J, Strauss, A (2008) *basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 3 ed: sage
- Hag. M. T(1979). *Industrialization in relation to integrated rural development with reference to Bangladesh; industry and development*. No. 4
- McClelland, DC (1985) *Human Motivation*. New York; Cambridge University Press.
- McGregor. A(2007) *Development, Foreign aid and Post-Development in Timor-Leste*, *Third World Quarterly*, 28 (1).
- Misra, R. P and Achyuta, RN. (1990) *Micro-level rural planning: principle; methods and case study; concept publishing company; New delhi*.
- Mytelka, L. and Farinelli. F. (2000), "Local Clusters, Innovation Systems and Sustained Competitiveness", Maastricht: UNUINTECH (mimeo).
- Shin, Doh Chull, Chan Wook Park and Jong Bin Yoon (2002) *Democratization, Economic Policy Making and Parliamentary Accountability in the Republic of Korea*. UNRISD mimeo.
- Tessitore, Sara, Daddi, Tiberio and Iraldo, Fabio (2015) *Eco-Industrial Parks Development and Integrated Management Challenges: Findings from Italy*, *Sustainability*, No: 7,PP: 10036-10051.
- Vidová, Jarmila (2010) *Industrial Parks - History, Their Present And Influence On Employment, Review Of Economic Perspectives Volume X. Issue 1*,pp:41-58.
- Weber, Max (1976) *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism* (New York: Charles Scribner's Son).
- Wilhelm, V and Fiestas, I (2005). 'Exploring the link between public spending and poverty reduction: lessons from the 1990s', *World Bank Institute*, Washington, DC.